

گئورگ بوشنر و "مرگ دانتون" (۲) (چاپ شده در ویژه تئاتر ، شماره ۴ ، ۲۰۰۲)

نیلوفر بیضایی

دانتون یکی از رهبران انقلاب فرانسه بود که پس از سقوط نظام سلطنتی بعنوان وزیر عدلیه انتخاب شد . وی یکی از پایه گذاران تریبونال انقلاب در فرانسه بود. دانتون پس از قتل‌های سپتامبر (اعدام‌های دسته جمعی عوامل "ضد انقلاب" که در ماه سپتامبر سال ۱۷۹۲ صورت گرفت) به مخالفت با افراطیون از جمله ژیراندیستها، هربرتیستها و روبسپیر^۱ برخاست. وی در آوریل ۱۷۹۴ اعدام شد. نمایشنامه "مرگ دانتون" برداشتی آزاد از وقایع انقلاب فرانسه است . بوشنر با استناد به واقعیات جاری آنزمان و با حرکت از این فرضیه که خواننده تمام فاکت‌های تاریخی را می‌شناسد ، این نمایش را نوشت . پس برای خواننده ی ناآشنا با این فاکت‌ها درک بسیاری از قسمتهای نمایشنامه دشوار است. بهمین دلیل در این نوشته ی تحلیلی ناچاریم در جاهایی ، اصل واقعه را نیز شرح دهیم. وقوع انقلاب فرانسه همزمان با عصر ایده آلیسم در آلمان بود . در زمینه ی هنردر فرانسه "فلسفه ی هنر" و در آلمان "هنر تراژدی" مورد توجه قرار گرفته بود. نمایشنامه "مرگ دانتون" بر پایه ی "دیالوگ" (گفتگو) استوار است و بدین طریق بر تاثیر غیر قابل انکار "منطق گفتمان" (Logos) صحنه میگذارد. نمایش با دو گفتگو آغاز می‌شود که به موازات یکدیگر در جریانند . دانتون و همسرش با یکدیگر از تنهایی می‌گویند و از امکان راهیابی به دنیای درون یکدیگر. دانتون در همینجاست که مرگ را بعنوان ایستگاه آرامش می‌ستاید (تو را همچون گور دوست می‌دارم) و همچنین از عشقی که آرامش دهنده است. وی بدنبال آرامش می‌گردد (به آنچه می‌خواستم رسیدم . انقلاب مرا بازنشسته می‌کند). برای اطرافیان دانتون یعنی میانه روها باید انقلاب به پایان برسد تا جمهوری بتواند آغاز گردد . هر کس باید بتواتر تواناییهای خود را نشان دهد . این است برنامه ی لیبرالیسم سیاسی: حق دگر اندیشی و در عین حال برابری برای همه . اما پیش شرطهای نابرابر در عمل امکان این برابری را از پیش محدود کرده اند. با اینهمه از نظر دانتون و دوستانش انقلاب به اهداف خود رسیده است . وی جزو آندسته از فعالین سیاسی بود که تنها تا زمانی می‌جنگند که به رضایت درونی خویش دست یابند. بهمین دلیل او را "اپیکوریر"^۲ خوانده اند . (اپیکور یک فیلسوف ماتریالیست یونانی بود که به روشهای عملی زندگی و همچنین بر لزوم توانایی استفاده از عقل برای رسیدن به خوشبختی یا تلاش برای رسیدن به آرامش درونی تاکید می‌ورزید) . اما بر خلاف تصور دانتون اهداف انقلاب هنوز تحقق نیافته بود و شاید علت کناره گیری وی رسیدن به این نکته نیز بود که امکان بهره گیری از نتایج انقلاب برایش موجود نیست. از نظر بوشنر ، دانتون به شناخت یک ضرورت تاریخی می‌رسد که قابل تغییر نیست. بعبارت دیگر بر خلاف روال رایج در دراماتوزی کلاسیک-رمانتیک در این اثر بوشنر پروسه ی تاریخی در مرکز ماجرا قرار داد و نه اندیشه ی شخصیتها ی درام. شاید بتوان گفت که روند تاریخی مستقیما در فکر و عمل کاراکترها بازتاب می‌یابد. ساختار نمایش "مرگ دانتون" در نگاه اول بر اساس سبک سنتی "چهار پرده" استوار است، اما با نگاهی موشکافانه تر به تفاوت‌های بنیادین آن با این سبک بر می‌خوریم. همچنین بر خلاف درام ارسطویی^۳ که در آن هر صحنه جزئی از کل نمایش را تشکیل می‌دهد ، در "مرگ دانتون" هر صحنه دارای یک معنای منحصر به فرد است و در عین حال معنای وجودی هر صحنه از حد "جزء" بودن بسی فراتر می‌رود. تغییر مدام و سریع صحنه ها کاربرد سمبلیک در جهت تاکید بر فضاها و مکانهای گوناگون است. این شیوه الگویی بود که بعدها توسط نویسندگان اکسپرسیونیست^۴ و همچنین برتولت برشت مورد استفاده قرار گرفت.

چهار پرده (اکت)

در آکت اول شش بار تغییر صحنه انجام می‌گیرد. ابتدا روبسپیر (وی وکیل قضا بود و عضو ژاکوبین ها . از ۱۷۹۲ روبسپیر در صدر افراطیون قرار داشت . در سال ۱۷۹۴ فرمان اعدام دانتون و هربرت را صادر نمود و قدرت مطلقه "ژاکوبینرها"^۵ را بنیانگذاری کرد. او خود را واسط میان آسمان و زمین می‌دانست) خطاب به توده های گرسنه که خواهان تشدید ترور هستند قول می‌دهد که بزودی تمام دشمنان را نابود خواهد کرد. او همچنین از حکومت ترس و ترور بعنوان "سپر بلای جمهوری" نام می‌برد. دانتون خواهان پایان ترور است در حالیکه برای روبسپیر مسیر انقلاب هنوز ادامه دارد. دانتون بهیچوجه روبسپیر را قبول ندارد ، همانگونه که در جایی خطاب به وی می‌گوید: "آیا هیچ نیرویی در درون تو نیست که گهگاه و پنهانی به تو بگوید "تو دروغگویی!؟" صحنه بسرعت تغییر می‌کند و قسمت دوم اکت یک به ما تصاویری از شرایط بیرونی انقلاب می‌دهد. ساختمان بازی بر اساس ربط کرونولوژیک بنا نشده بلکه بر اساس تناقض و همچنین موازات وقایع پایه گذاری شده است. در این قسمت اولین حضور ملموس دانتون را که حضوری ناخوشایند است ، می‌بینیم. کارت بازی او و دوستانش برای وقت گذرانی ، مکالمه ی ناامید او و همسرش ، فضایی از نارضایتی ، بی هدفی و خستگی ملال آور از آنچه در جریان است را بما یادآور می

شود. صحنه ی بعدی از اکت اول ، تمرکزش بر نشان دادن اختلافات فراکسیونهای مختلف انقلاب از یکسو و رنج و فقر مردم از سوی دیگر است. در یک تغییر صحنه ی دیگر در کلوب ژاکوبینرها شاهد طرح خواسته ی گسترش جو ارباب و تهدید هستیم و باز تغییر صحنه. در این قسمت که بخش چهارم از اکت اول است ، لاکروا^۶ (یکی از مخالفین دانتون بود که بعدا همراه او اعدام شد) متوجه می شود که بدون اینکه بداند در توطئه ای علیه دانتون شرکت داشته است. تغییر صحنه های بعدی اکت اول دو دیالوگ را در بر می گیرد. در اکت دوم دوستان دانتون تلاش می کنند تا به او بقبولانند که دو راه بیشتر ندارد: فرار یا مقاومت. دانتون اما همچنان بی عمل باقی می ماند : “... باید فریاد بزنم تا همه بدانند این زندگی ارزش تلاشی را که برای نگاه داشتنش می کنیم ، ندارد...”. از سوی دیگر وی از جایگاه خود در میان مردم بیش از حد مطمئن است. در صحنه ی ششم این بخش سربازان را در مقابل خانه ی دانتون می بینیم که برای دستگیری او آمده اند . در اکت سوم یاران در بند دانتون را می بینیم و محکمه ی او و یارانش را. در صحنه هایی که بسرعت تغییر می کنند محاکمه ی دانتون را که در آغاز آن حضور دارد و به بهانه ای از شرکت در جلسات بعدی محروم می شود، می بینیم. در آغاز اکت چهار محکومیت دانتون قطعی شده است . ژولی ، همسر دانتون خودکشی می کند (در واقعیت، ژولی همسر دوم دانتون خودکشی نمی کند بلکه چند سال بعد از اعدام وی دوباره ازدواج می کند) .

چرا “مرگ دانتون” یک اثر مدرن است؟

بوشنر در “مرگ دانتون” از منظم ساختن جهان نمایش در پس وقایع اتفاقی و بی نظم خودداری می کند و قصدش این نیست که تماشاگر را به همذات پنداری با وقایع نمایش دعوت کند. از سوی دیگر بوشنر در تمام ۳۲ صحنه ی این نمایش از ایجاد نقاط گره و اوج و جنبه های تهییجی آنگونه که نمایشنامه نویسان کلاسیک بدان پایبند بودند ، بکلی پرهیز می کند. با وجود اینکه مرگ دانتون نتیجه ی یک توطئه بر علیه اوست ، اما نقشه های توطئه گران نقش اصلی را بازی نمی کند ، بلکه جبر شرایط است که به مرگ دانتون منتهی می شود : “... ما انقلاب را نساختیم ، بلکه این انقلاب بود که سرنوشت ما را رقم زد...”. بلحاظ سیاسی هم دانتون و هواداران خوشگذرانش و هم روبسپیر و هواداران افراطی و متعهد به انقلابش در مقابل مردم قرار می گیرند. شاید آنها بخواهند به مردم کمک کنند ، اما به این خواسته نمی توانند جامه ی عمل ببوشانند. انقلاب بدست خویش خود را می بلعد ، بدون اینکه تغییری در شرایط ایجاد کرده باشد. علاوه بر این فاکت عامل دیگری که نقش بازی می کند ، اختلافات فراکسیونهای مختلف است که بوشنر با بازنمایندشان به طرح مهمترین موضوعات سیاسی و فلسفی زمان خود می پردازد. اگر فرض بگیریم که ژاکوبینرها ایده آلیست بودند و دانتونیستها ماتریالیست، هیچیک از آنها قادر نبود که پیش شرطهای مادی انجام اهداف خویش را فراهم نماید.

شک به اعمال خویش نتیجه ی تصویری از جهانی است که برای از میان بردن رنج مردمانش راهی سراغ ندارد. بوشنر بدنال پاسخی برای نیاز انسانها و جامعه به خوشبختی است و در این راه تشریح می کند که خواسته های عمومی در جاهایی در جهت خوشبختی “فرد” و در عیم حال در بسیاری از موارد نابود کننده ی آن است. با اینهمه او تنها سوال طرح می کند ، اما پاسخی نمی دهد. وی از یکسو بر این باور است که فرد در برابر مکانیسم قدرت بی اختیار است و از سوی دیگر عمل سیاسی را برای توده ها لازم می داند .

ملتی تحت فشار قرار می گیرد، انقلاب می کند ، انتقام می گیرد و سر انجام بی عدالتی را بازتولید می کند. با اینهمه بوشنر به مردم تحت فشار سمپاتی دارد. فاتالیسم (جبر) تاریخ شاید درست ترین واژه برای تشریح دیدگاه بوشنر باشد. بوشنر نه از زاویه ی نفی گرا و بدبینانه ، بلکه کاملا واقع بینانه به تناقض میان آرزوی دنیایی بهتر برای همه و در نتیجه ضرورت انقلاب و تحول و در نتیجه خشونت با آرزوی از میان برده شدن ضرورت خشونت می پردازد. دانتون، خوشگذرانی که از “توده” متنفر است در برابر توده ای قرار می گیرد که خواسته ی لحظه ای خویش یعنی قتل را دنبال می کند. بوشنر بدنال مقصر نمی گردد بلکه می خواهد پیچیدگیهای وقایع تاریخی را روشن کند .

همانطور که اشاره کردیم بوشنر در “مرگ دانتون” بر خلاف روشهای کلاسیک تراژدی قرن ۱۸ بدنال ایجاد نقاط اوج غیر منتظره نیست. در عین حال پایان باز نمایش (با وجود اینکه دانتون در پایان کشته می شود) تداوم تعمق موضوع در ذهن تماشاگر را باعث می شود . در عین حال تعویض مداوم صحنه ها و استقلال هویت هر صحنه نیز همانگونه که پیش از این نیز اشاره کردیم، ابزاری هستند که این اثر را علاوه بر پرداخت محتوایی ، بلحاظ فرم نیز بعنوان یکی از آثار پیشتاز تئاتر مدرن برجسته می سازد.

- H. Mayer: Büchner und seine Zeit, Wiesbaden, 1964
- C. Kammler : Georg Büchner, Oldenburg, 1997
- W. Emmerich : Ideen der Moderne bei Büchner, 1974
- k. Lehmann : Dramatische Form und Revolution, 1974

- L. Knapp : Dantons Tod, 1975
- H. Niebuhr : Büchners „Dantons Tod“, 1985

¹ Girondisten, Herbertisten und Robespierre

² Epikuräer

³ Aristotelisches Drama

⁴ Expressionistische Autoren

⁵ Jakobiner

⁶ Lacroix